

بهمه آنها که می پرسند « نقاشی چیست؟ »



از آل احمد :

« حرف اساسی من با شما (نقاشان معاصر ایرانی) اینستکه اوضاع زمانه از این زبان گنگ شما و این رنگهای چشم فریب که چیزی پشتش نیست وسیله ای برای تحمیق خلاق می سازد .
این حکم تاریخ است درباره شما .

وقتی می گویم چیزی پشت پرده رنگی شما نیست فرضم اینستکه خاطره ای را در من زنده نمی کند . ارتباطی با این ذهنیت ندارد . جنبشی ، تحرکی علوی ... آخر چیزی ، فقط در و دیواری است و شما رنگ می کنید اما پی دیوار سست است و این غفریت را برطاق این ایوان هرچه که بزدکتی پای بست همچنان ویران است . چنان ویران که برای خراب کردنش حتی به کلنگ نحیف این قلم نیازی نیست .

نقاش همیشه بنده کلام بوده است یا در خدمت آسمان یا زمین درو دیوار بزرگان . نقاشی مدرن معاصر برای تفسیر و تعبیر کارش حتی در فرنگ چه رسد باینجا - محتاج این قلم هاست .

اما نه تنها کار این قلم هارا نمی خواند اگر هم بخواند نمی - خواهد دنیا را از این چشم هانگرد - آخر زرق و وبرق فرنگ چشمش را پر کرده است - و به اسم «دنیائی بودن» در سر دارد که در ملک از ما بهتران پوست باز کند . غافل از اینکه اگر در جمع تنگ خویشان چیزی داشتی دیدنی و اگر «خودی» ترا پذیرفت آنوقت دنیا هم می - پذیرد . گمان نکنی که به انزوا می خوانمت میدانی که نه این کاره ام و جایی دیگر گفتم که جز این بند ناف زبان مادری که بان آویخته ام هیچ مرز دیگر نمی شناسم نمی گویمت بیا و قلمت را زیر پای رنگ و محل و سنت وادای دین بگذار . می - گویمت بیا و دست مرا بگیر واز نردبان پرده ات برکش و حرف آخرم اینکه اگر ریشه در این خاک داری

که دانستن و آموختن طرح اولیه بهمان اندازه مسلم و ضروری است که برای سخن گفتن آموختن اصوات و لغتها و برای ساز زدن درک تنها و صداها .

آنچه برای او پس از این سیر طولانی اهمیت دارد رسیدن بیک نقطه متیقن در فکر هنری است . در اینحالت تکنیک در درجه دوم است .

نمایش این اعتقاد در پرتره از کارهای الخاص ساده تر از موضوعات دیگر است . صورتها خودی ، ساده ، و غیر مضاف هستند .

در پرتره بطور کلی الخاص صاحب قدرت بیشتری است چرا که بقول خودش « چهره انسان همیشه دیدنی است » و این حاصل اعتقاد کاملش به مکتب جعفریتگر است .

این مکتب ذات جمال انسانی را بطریق فلسفی بازدید می کند . قلم بیهوده برای اضافه تصورات نقاش هرز نمی رود چیزی بیان می شود که ساده ، پذیرفتنی ، قابل تحقیق و تنبیه است و جمع آمدن این صفات در یک کار هنری مهم و مشکل است . نفرت از تعلق ، نمایش و دکاننداری در خشونتی پیداست

آفرینی واقعیت یعنی بمسائل ذهنی خودش کلا «سورنالیستیک» نیست . الخاص «وابسته هنری است که کارهایش در برابر اعتقادات و فراتکنش خلاصه است .

تجسیری باید گفت آنچه نقاشی را از دیگر پدیده های تفکر عمیق هنری جدا می کند خلوص و تکنیک آنست . نقاشی زبانی است که انسان از طبیعت می آموزد بقول الخاص یا خودش بدنی می آورد پس مانند منطق و شعر است .

اینها هرچه ساده تر و خالص تر و برخوردار از طبیعت باشند ، بصدافت هنری نزدیکترند .

تایید الخاص به مکتب «کلاسیک» محصول یک سیر بیست ساله در کل دنیای نقاشی است . او از مکتب آموزش ایرانی استاد جعفریتگر آغاز می کند و در امریکا جهشی دارد به مدرنیسم و کوبیسم . یک سو سر خط و یک سو پایان آن . از ایندو سو الخاص بهمداری معین دریقین بودن اصالت دید انسانی میرسد و « طبیعت را با اضافه انسان » بعنوان حکم اولیه در آفرینش می پذیرد .

بگمان الخاص تا کسی شکل اصلی شیئی را نداند نمی تواند ذکرگونگی آنرا توجیه کند . اینست

در پائیز شکوفه مکن که پلاشگون است و اگر زینت المجالس شده و نه از مائی دور این قلم را خط بکش .

تیرماه اینسال ، هالیبال الخاص ، نقاش و منتقد هنری بامریکا رفت . آخرین نمایشگاه نقاشی اش قبل از این سفر ، پس از پنج سال در خانه مسکونی اش ، پانزده روز برپا بود .

مجموعه تابلوها ، حاوی پرتره ، چند موضوع فلسفی و تفسیری ، تابلوی زندگی و مرگ جلال آل احمد و سیاهی داغدار سیمین دانشور ، دو تابلو از نیمابوشیچ (که یکی از آنها در دانشگاه آریا مهر در حضور جمع شروع شده بود) و مقداری از نقاشیهای درون دربیچه از جوکهای ارویتک نمایش داده شده در گالری سیحون ، بود . گفتار کلی از جلال آل احمد در بروشور نمایشگاه آمده که در آغاز خوانده ایم . مجموعه آثار نقاشی الخاص در این نمایشگاه تنها اشاره ایست به دید و فکر او . درباره هنر بطور کلی و با نقل آن پیش گفتار به نقاش اختصاصا . ایمان و آشنائی الخاص به «کلاسیسیم» صبرودتی تجربی در زندگی اوست . گریز الخاص ازباز-

که زمینه بیشتر آثار الخاص را بوجود آورده . اعتقاد بخلوص در تجلی رنگهای تند و خالص ، قرمز ، آبی ، سیاه لاجوردی ، نمایانست . اشاره بموضوعات و افرادی که مورد محبت و احترام او هستند صراحت گوئیش را تشدید می کند . هیچ گزایشی بمسئله رابع روز ندارد . هیچ آدمی بخاطر جذابیت بی معنایی محبوب او نیست . نقاشی الخاص فرغ اعتقادات او بهتر نقاشی است و این تواضع در همه کارهایش در سادگی و آسوده گوئی جلوه می کند .

خصوصیت کامل کار های امروز الخاص اصراری است که به اولویت صداقت در نقاشی دارد . از او پرسیدم چرا تابلوی «نیمه» را در حضور جمع کشیدی؟ جواب داد :

از خاصیت تماشائی بودن نقاشی استفاده کردم . هر کار را با هر جذابیت و تحرک و جریانی مدتی نگاه کنی خسته می شوی جز نقاشی که بآرامی و باحرکاتی ساده و یکنواخت چنان مجذوبت می کند که ساعتها پیشرفت کار را تماشا کنی و بانتظار پایان بایستی . می خواستم این جذب را با اجتماع یادآوری کنم .

دید عمومی او از مسائل صریح

و ساده است . حوادث خلاصه می شوند و در طرحهای همسان بهم شباهت می یابند و در این شباهت الخاص یعنی «مطایبه» دست می یابد که همیشه در وقایع موجود است . جوکها ، با بی توجهی بتکنیک ، گوئی این نوع تفسیر او از حادثه هاست . داستانهایی خنده آور اروتیک مسائل عمومی میان آدمهارا خلاصه می کند . مسائلی که غالباً بگرد یک محور میگردند و فزاینده خویشند و از همه آنها می شود نتیجه ای گرفت .

هیچ حالتی از تفسیر فلسفی و ذهنی براین مسائل حکومت نمی کند جز تکرار و الخاص از این تکرار متأثر است وقتی شوخی همیشه تکرار شود دیگر شوخی نیست .

آدمها در اینگونه آثار همسانند . با رابطه ای همسان بهم شباهت یافته اند ، تن و رنگ و املا و نشان یکی است و حادثه در میان اینها آنقدر ارزان و تکراری است که انگار همه در همه زمانها بتکرار این تپانی کرده اند .

الخاص برای تصریح همسان خود در مورد رابطه آدمها ، این نوع تابلو را کشیده . این دوره از کارها کاملاً از دیگر کارها جداست ، نه اینکه با درو پنجره جدا شده

باشد ، تکنیک و تاکید مسئله است گنجی آدمها امروز مسئله ایست . یکسره نمی شود به مسائل مادی بدنی و اجتماعی مربوطش کرد در برابر هنر که حاصل فکر آدمی است خود آدمی دچار سرگردانیست . کوشش هنرمند امروز باید صرف تخفیف این سرگردانی شود . گنج و مبهوت کردن آدمها با تصنع کار کهنه بی ارزشی شده . ثبوت و وقاداری الخاص بدنیای ذهنی و اعتقادات تجربی بیانش را به استحکام رسانده این استحکام بیش از آنچه تکنیکی باشد عقیدتی است . باید نقاش خودش باشد .

آنچه می کشد - حتی ضعیف اگر همه حرف خودش باشد بعنوان گوشه ای از تصور یک انسان دیدنی است .

نقاشی دیگر نمی تواند بدون خشونت و صراحت و تفکر و خلوص با تکیه به کمپوزیسیون و رنگ عوامفریبانه تنها برای نصب در اطرافها بصواب آید .

نقاشی باید بغیر از دارا بودن خصوصیات هنری نمایانگر دنیای موجود باشد این دنیا اگر از ذهن هنرمند هم خلق شود تا کوبر باری از اشیاء و تجربه های عینی یادوش دارد و این دنیای عینی ضامن رابطه نقاش با آدمهاست و ضابطه

احترام و امتقاد او به تعمد هنری اش .
الخاص با آمریکا رفته تا بمدت یکسان در نقاشی مطالعه ای مجدد بکند . پس از یکسال او باز خواهد گشت و کارهای تازه اش را خواهیم دید . فرهنگ و اعتقاد او راه گشای همه کسانی است که می خواهند نقاشی را درست بشناسند و دوست بدارند .

ائتلافی در وجود اوست از منطق و شعر و نقاشی و چون خود همیشه بادآور این ائتلاف است شعر «نیمه» را آنگونه که پس از کلام آل احمد در بروشور نمایشگاه نقاشی الخاص آمده است در پایان مقال می آوریم .

من براه خود باید بروم ،
کسی نه تیمار مرا خواهد داشت ،
در پراز کشمکش این زندگی حادثه بار ،
«گرچه گویند نه» هر کس تنهاست .
آن که می دارد تیمار مرا ،
کارمن است ،

من نمیخواهم درمانم اسیر .
صبح وقتی که هوا روشن شد هر کسی خواهد دانست و بجا خواهد آورد مرا ،
که در این پهنه و آب به چه ره رفتن واز بهر چه ام بود عذاب .

میهن بهرامی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال طابع علوم انسانی